

رایزنی عراقچی و پوتین در میانه جنگ

مأموریت وزیر خارجه در روسیه چه بود؟

گزارش

یک روز پس از حمله آمریکا به ایران، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در کاخ کرملین با ولادیمیر پوتین دیدار کرد؛ دیداری که در ادامه رایزنی‌های فشرده دیپلماتیک تهران، نشانه‌ای از همسویی مسکو با مواضع ایران در این بحران به‌شمار می‌رفت. عراقچی با ابراز رضایت از رویکرد «محکم و درست» روسیه، از تلاش‌های مسکو برای فعال کردن شورای امنیت و ایستادگی در برابر تجاوز، تقدیر و تصریح کرد که این تلاش جایگاه روسیه را در «سمت درست تاریخ» تثبیت می‌کند. وزیر خارجه پیش از سفر به روسیه، رایزنی‌های متعددی با مقامات اروپایی در ژنو و دیگر کشورهای مهم جهان در استانبول در چهارچوب نشست وزرای خارجه کشورهای سازمان همکاری اسلامی از سر گذرانده بود.

اما دیدار با رئیس جمهوری روسیه در زمانی برگزار شد که یک روز قبل ایالات متحده آمریکا در تجاوزی آشکار به خاک ایران و در پشتیبانی از رژیم صهیونیستی تأسیسات هسته‌ای کشورمان را در سه نقطه هدف قرار داده بود. این دیدار را می‌توان نشانه روشنی از اهمیت جایگاه روسیه برای ایران در معادلات اخیر دانست. چه اینکه عراقچی در

سفر وزیر امور خارجه کشورمان به روسیه و دیدار با رئیس جمهور این کشور را می‌توان در چهارچوب نرم‌های دیپلماتیک به خصوص در زمان جنگ بررسی کرد. به طوری که عراقچی بعد از دیدار با مقامات اروپایی و وزرای خارجه کشورهای سازمان همکاری اسلامی در روزهای گذشته سعی کرده است تا در دیدار خود با پوتین صدای ضد جنگ ایران را به مسکو برساند و همزمان تلاش‌های دیپلماتیک را همسو با اقدامات میدانی در جنگ پویا و زنده نگه دارد. لذا انتظار می‌رود که در این شرایط دیدارهای وزیر خارجه سرعت و تعدد بیشتری داشته باشد. اما آنچه مسلم است نباید انتظار داشت که این دیدارها و اقدامات دیپلماتیک در این شرایط به خصوص در رابطه با قدرت‌های جهانی فراتر از واکنش‌های سیاسی و دیپلماتیک رود. به طور مشخص در مورد روسیه می‌توان گفت که نگاه این کشور به تحولات خاورمیانه رئالیستی است. این کشور در حال حاضر به



محمودشوری
کارشناس ارشد
مسائل روسیه

روسیه به اهمیت ایران در معادلات آینده واقف است

دلیل درگیری در جنگ اوکراین در مقام یک متحد کاملاً نظامی با ایران یا اسرائیل ورود نخواهد کرد. به هر حال این شرایط برای روس‌ها هم شرایط خاصی است اما آنها به رغم این وضعیت متناقض، کاملاً برپایه منافع ملی خود تصمیم می‌گیرند. لذا محکومیت تجاوز اسرائیل و آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل از سوی روسیه به طور جد و واقعی صورت می‌گیرد اما نباید انتظار داشت که در این درگیری ورود نظامی داشته باشد. ضمن این که وقوع تنش در این مقطع کنونی در خاورمیانه بین ایران و اسرائیل توجّهات غربی‌ها را از اوکراین کم می‌کند و در عین حال قیمت انرژی نیز تحت تأثیر این روند‌ها رو به صعود خواهد گذاشت. با این حال ذکر این نکته و توجه به آن ضروری است که روسیه علاقه‌ای به شکست ایران در این جنگ ندارد، چرا که به این امر واقفند که آمریکایی‌ها در صورتی که در خاورمیانه دست برتر را کسب کنند حتماً خیلی سریع پرونده اوکراین را در دستور کار قرار خواهند داد.

همکاری‌های میدانی اولویت روابط بین‌الملل در دوران جنگ

بین‌المللی دارند. ضمن اینکه تجربیات گذشته نشان داده است که روسیه در روابط ایران و آمریکا ظرفیت بالایی برای میانجیگری و سازندگی ندارد و این طبیعی است که کشورها در روابط بین‌الملل برپایه منافع ملی خود عمل کنند. در عین حال تجربه فعلی به ما کمک خواهد کرد تا درک روشن و واقع‌بینانه‌ای از موضوع اتحاد و روابط راهبردی در روابط بین‌الملل داشته باشیم. در این راستا تأمین نیازهای نظیر ابراز نگرانی نسبت به وضعیت جاری و ارائه پیش‌نویس قطعنامه محکومیت حملات آمریکا و اسرائیل به ایران به خودی خود اقدامات مثبتی در روابط بین‌الملل است اما باید توجه داشت که در زمان جنگ اقدامات و همکاری‌های میدانی در اولویت نخست است.



نادر شفیعی
استاد دانشکده
مطالعات جهان

دیدار عباس عراقچی با وزیر خارجه و رئیس جمهوری روسیه را صرفاً می‌توان در چهارچوب روابط دیپلماتیک و ارتقای سطح هماهنگی جهت تحولات جاری و آتی در جنگ ایران و اسرائیل تصویر کرد. اقدامات دیپلماتیک ایران همسو با تلاش‌های میدانی که زمین‌دگان ما در عرصه موشک و دفاع انجام می‌دهند نباید مسکوت باشد و این پویایی و تکاپو اقدامات مفید و ارزشمندی است که در زمان جنگ می‌تواند بازسان به سایرین باشد. در عین حال باید این امر را مدنظر داشت که انتظار از کشوری مثل روسیه برای مداخله نظامی در این جنگ چندان محلی از اعراب ندارد. به دیگر سخن هرچند من به عنوان یک شهروند ایرانی این انتظار را از یک متحد راهبردی دارم که در ایام دشواری تمام قد در کنار کشورم بایستد اما واقعیت میدان چیز دیگری است و این کشورها ملاحظات خاص خود را در زمینه امنیت

دومین نشست اضطراری شورای حکام روز گذشته در پی حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران بدون نتیجه به پایان رسید

آژانس؛ ناظر صلح یا شریک جنگ؟

گزارش

دومین نشست فوق‌العاده شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در پی تجاوز آشکار ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران و به درخواست رسمی تهران برگزار شد، اما بدون نتیجه خاص به پایان رسید. این نشست با اعتراض صریح ایران به حملات آمریکا به سایت‌های فردو، نظنز و اصفهان و هشدار نسبت به پیامدهای ساختاری و جبران‌ناپذیر این تجاوز بر پیمان عدم اشاعه همراه شد، اما در نقطه مقابل، گروسی بی‌اعتنا به این واقعیت‌ها خواستار ادامه بازرسی‌ها شد و همزمان سه کشور اروپایی، بی‌آن که تعرضات صورت‌گرفته را محکوم کنند، در بیانیه‌ای دوپهلو با دعوت به خویشتن‌داری ایران، بار دیگر بر امنیت اسرائیل تأکید کردند تا استانداردهای دوگانه در این بحران عیان‌تر از همیشه به نمایش گذاشته شود.

این دومین نشست فوق‌العاده شورای حکام طی هفت روز اخیر بود. هفته گذشته نیز یازده کشور با صدور بیانیه‌ای مشترک، اقدام خصمانه رژیم صهیونیستی در حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را نقض آشکار حقوق بین‌الملل خوانده و خواستار اقدام فوری



و قاطع آژانس و شورای امنیت برای مقابله با تکرار این تجاوزات شده بودند. اما آنچه این بار بر نگرانی‌ها

خطر یک درگیری تمام‌عیار را بیش از گذشته به واقعیت نزدیک کرد.

ادعای دوباره گروسی درباره دیپلماسی

در چنین شرایطی چهره محوری نشست، خود گروسی بود که بار دیگر با موضوعی دوهپلو نه‌تنها حملات علیه ایران را محکوم نکرد، بلکه با تأکید بر لزوم بازگشت بازرسان به سایت‌های هسته‌ای کشور و با تمرکز بر ذخایر اورانیوم غنی شده، کوشید بستر روایت‌سازی مطلوب غرب و اسرائیل را فراهم آورد. گروسی که مسئولیت مستقیم تهیه گزارش پیشین آژانس علیه ایران را بر عهده داشت، این بار نیز بدون کوچک‌ترین اشاره‌ای به مسئولیت قانونی خود در دفاع از امنیت تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای، عملاً جانب همان کشورهایی را گرفت که خود مسبب تنش‌های کنونی‌اند. او با چنین رویکردی روز گذشته بار دیگر ادعا کرد که «هنوز مسیر دیپلماسی وجود دارد. باید این مسیر را پیش بگیریم؛ در غیر این صورت، نظام عدم اشاعه جهانی که بیش از نیم قرن ضامن امنیت بین‌المللی بوده، ممکن است فرو بریزد.»

هشدار تهران نسبت به عواقب حمله

نماینده ایران در آژانس اما روز گذشته در بیانیه‌ای

صریح و هشدارآمیز، مسئولیت وخامت اوضاع و عواقب زیست‌محیطی، انسانی و امنیتی این تجاوزات را متوجه آمریکا، اسرائیل و البته آژانس و شورای حکام دانست. به باور تهران، حملات اخیر نه‌تنها اجرای مؤثر موافقت‌نامه پادمان را با چالش جدی مواجه کرده و امنیت مواد هسته‌ای حساس ایران را به خطر افکنده است، بلکه بستر عینی وقوع فجایع زیست‌محیطی و انتشار آلودگی‌های رادیواکتیو و شیمیایی در سطح منطقه را نیز فراهم ساخته است.

نماینده کشورمان در وین خطاب به اعضای شورای حکام همچنین تصریح کرد: «اقدامات متجاوزانه، نه‌تنها تعرضی به حاکمیت ملی ایران است، بلکه مستقیماً توانایی آژانس در انجام وظایف بازرسی و نظارت خود را به چالش کشیده و کارآمدی موافقت‌نامه پادمان را به مخاطره انداخته است.»

بیانیه ایران افزوده است: «حملات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی، مستقیماً بر توانایی آژانس برای انجام بازرسی‌های معمول تأثیر گذاشته و در نتیجه اجرای مؤثر موافقت‌نامه پادمان جامع را با چالش بسیار جدی روبه‌رو ساخته است. علاوه بر این، امنیت مواد هسته‌ای، از جمله اورانیوم غنی‌شده، بشدت به خطر افتاده است. در نتیجه، تداوم دانش آژانس در این خصوص دیگر قابل تضمین نیست.»

گروسی؛ اعتبار آژانس را قربانی منافع غرب کرد

روندهای دیپلماتیک و امنیتی پیش از حمله را نیز نمی‌توان انکار کرد. اکنون در پی این رویدادها، گروسی به عنوان مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مسئولیت سنگینی در قبال حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران برعهده دارد؛ مسئولیتی که نه‌تنها از انجام آن شانه خالی کرده، بلکه حتی حاضر نشده است این حملات آشکار به منشور و مقررات بین‌المللی را محکوم کند. به نظر می‌رسد گروسی با هماهنگی کامل با رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی، از ایفا کردن حداقل نقش قانونی خود نیز امتناع می‌ورزد؛ رویکردی که بی‌اعتمادی ایران به آژانس و شخص او را به نقطه‌ای رسانده است که دیگر نمی‌توان به استمرار همکاری‌های سازنده در آینده امید داشت. حتی در شرایط کنونی که آژانس خواستار بازرسی از سایت‌های هسته‌ای ایران پس از حملات آمریکا شده است، این بی‌اعتمادی چندان عمیق است که تهران بر این باور است که گروسی و تیم او درصدد تهیه گزارشی هستند که زمینه را برای تخریب و نابودی تجهیزات و منابع باقی‌مانده ایران فراهم سازد. در مجموع، می‌توان گفت که روابط ایران و آژانس در دوره مدیریت گروسی یکی از دشوارترین و پرتنش‌ترین دوره‌های همکاری‌های دوجانبه را تجربه می‌کند؛ دوره‌ای که نه به نفع همکاری‌های بین‌المللی است و نه به تقویت رژیم عدم اشاعه کمکی می‌کند.

هسته‌ای صلح‌آمیز از جمله غنی‌سازی مشغول‌اند، باید مصون از حملات و تهدیدات نظامی سایر کشورها باشند. حتی در شرایطی که فرض شود کشوری از چهارچوب مقررات آژانس خارج شده یا در مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای گام برمی‌دارد، بر اساس رویه‌های حقوقی آژانس، امکان اقدام نظامی علیه آن کشور وجود ندارد و پرونده تخلف ابتدا باید به شورای حکام گزارش شود و پس از بررسی در این شورا، در صورت لزوم به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شود. با وجود این ملاحظات، گروسی که در دوره مسئولیت خود بر همکاری بی‌سابقه ایران با آژانس و پذیرش بیشترین میزان بازرسی‌ها ادعان داشته و حتی در هفته‌های پیش از حمله نظامی اسرائیل به ایران تصریح کرده بود که جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای نزدیک نشده است، با ارائه گزارشی جامع که حاوی ادعاها و شبهاتی تأمل‌برانگیز بود، عملاً زمینه‌ساز طرح بهانه‌های حقوقی برای محاف جنگ‌طلب شد. این گزارش که نهایتاً به تصویب قطعنامه‌ای در شورای حکام انجامید، نقشی تعیین‌کننده در تحریک و مشروعیت‌بخشی به اقدامات آمریکای اسرائیل ایفا کرد و به آنها بهانه‌ای حقوقی برای توجیه حمله به ایران بخشید. بی‌تردید نمی‌توان تمامی علل و انگیزه‌های حمله به ایران را به این گزارش نسبت داد، اما اهمیت و تأثیر آن در



عبدالرضا فرجی‌راد
استاد دانشگاه و
صاحب‌نظر مسائل
راهبردی

در دو یا سه دهه اخیر، جمهوری اسلامی ایران همواره همکاری‌هایی مستمر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته است؛ همکاری‌هایی که در دوره‌های مختلف، متأثر از رویکردها، سلاقی و وابستگی‌های سیاسی رؤسای این نهاد بین‌المللی بوده است. در این میان، برخی از مدیران کل آژانس تلاش کردند با رعایت اصول حرفه‌ای و بی‌طرفانه، براساس مأموریت‌های حقوقی و فنی خود عمل کنند، حال آنکه شماری دیگر از آنها، متأثر از ملاحظات سیاسی و گرایش‌های کشورهای خاص، از مسیری بی‌طرفانه فاصله گرفتند. زعم بسیاری از ناظران، از چهارچوب‌های حقوقی و مقرراتی آژانس فاصله گرفته و به همکاری یک‌سویه و همه‌جانبه با غرب بدل شده است. گروسی نه تنها در حفظ پرسنل و جایگاه حقوقی آژانس موفق عمل نکرد، بلکه آشکارا از الزامات و مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نیز عدول کرد. براساس این معاهده، کشورهایی که تحت نظارت آژانس به فعالیت‌های

دانست، اما بدون تردید نقشی کلیدی در تندر شدن فضای سیاسی و حقوقی علیه ایران در شورای حکام ایفا کرد و فضا را برای تحرکات خصمانه بیش از پیش مهیا ساخت. در این میان، رویکردها و گرایش‌های شخصی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اهمیت بسزا دارد. در دوره‌های پیشین، مدیرانی همچون هانس بلیکس، محمد البرادعی و یوکیا آمانو، هرچند با چالش‌های متعددی روبه‌رو بودند اما رویکردی متعادل‌تر و حرفه‌ای‌تر در قبال همکاری‌های ایران و آژانس اتخاذ کردند. در مقابل، گروسی با گرایش‌های آشکار و عمیق به سمت غرب، به‌ویژه در عملکرد و ابفای مسئولیت‌های خود به‌عنوان مدیرکل آژانس از مسیر بی‌طرفی که لازمه این جایگاه است فاصله گرفت. این گرایش‌ها چنان در اقدامات خصمانه و غیرقانونی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرد. این واقعیت اکنون بیش از پیش بر روابط میان ایران و آژانس سایه افکنده و چشم‌انداز همکاری‌های آینده را تیره ساخته است.

انحراف آژانس؛ مشروعیت‌بخشی به تجاوز



کوروش احمدی
دیپلمات پیشین ایران
در سازمان ملل

گزارشی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با مسئولیت رافائل گروسی درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تهیه کرد و زمینه‌ساز تصویب جدیدترین قطعنامه شورای حکام علیه ایران شد، در شرایطی منتشر شد که پیش‌تر مذاکرات متعددی میان گروسی و مقامات ایرانی درباره موضوعات اختلافی جریان داشت. این مذاکرات که طی سال‌های اخیر به‌طور مفصل دنبال شده بود، عمدتاً پیرامون مکان‌های ادعایی از سوی غرب- که از چهار مکان مورد ادعا به دو مکان محدود شده بود- نصب و نظارت دوربین‌های آژانس و همچنین نحوه فعالیت بازرسان متمرکز بود. در تمامی این موارد، ایران سطح بالایی

از همکاری و تعامل را از خود نشان داده بود تا زمینه حل و فصل اختلافات فراهم شود.

در این میان، در حالی که انتظار می‌رفت کشورهای دارای نفوذ در آژانس و عرصه دیپلماسی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرادیپلماتیک مانع از تشدید تنش‌ها شوند و اجازه ندهند روند امور به نقطه جنگ و درگیری سوق یابد، گروسی مسیری متفاوت را برگزید. او با تهیه گزارشی که وجه سیاسی آن بر جنبه‌های فنی و حقوقی غلبه داشت، عملاً بستر تصویب قطعنامه‌ای را در شورای حکام فراهم ساخت که به توجیهی مضاعف و کاذب برای حملات رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران بدل شد. البته نمی‌توان این قطعنامه را علت‌العلل حملات نظامی